

مالکیت مدیریتی و محافظه‌کاری حسابداری

نصراله جان‌افزایی*، محسن حسنی**

چکیده

مدیران با توجه به انگیزه‌های گوناگون، درصدد شناسایی سریع‌تر سودها و به تأخیر انداختن زیان‌ها و هزینه‌ها هستند. محافظه‌کاری محدودیتی است که توانایی و تمایل این رفتار فرصت‌طلبانه را از مدیران می‌گیرد. هیات مدیره شرکت به‌عنوان نهاد راهبری، که نقش هدایت و نظارت بر کار مدیران اجرایی را دارد، از اهمیت بسزایی در هدایت مناسب‌تر شرکت و ازجمله اتخاذ شیوه‌های محافظه‌کارانه‌تر در زمان‌بندی شناسایی سودها برخوردار است. هدف کلی تحقیق، تبیین رابطه بین درصد مالکیت مدیریتی با سطح محافظه‌کاری اعمال شده در گزارشگری مالی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران است. نمونه آماری تحقیق شامل ۱۱۱ شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران و دوره زمانی تحقیق از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۸۹ است. برای آزمون فرضیه‌های تحقیق، از رگرسیون خطی ساده استفاده گردیده است که نتایج آزمون فرضیات این تحقیق، درمجموع حاکی از وجود رابطه معنادار و مثبت بین مالکیت مدیریتی و محافظه‌کاری حسابداری و همچنین عدم وجود رابطه بین درصد سهام شناور آزاد و محافظه‌کاری حسابداری هست.

کلیدواژه‌ها: مالکیت مدیریتی؛ محافظه‌کاری حسابداری؛ بازار بورس اوراق بهادار؛ استانداردهای گزارشگری مالی.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رئیس‌مجلس علوم انسانی

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۳/۰۶/۱۰، تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۳/۱۰/۱۱

* مدرس، دانشگاه ارشد دماوند.

** دانشجوی دکتری و عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور دلجان (نویسنده مسئول).

Email: mhassani2418@gmail.com

۱. مقدمه

موفقیت شرکت‌ها به میل سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان به سرمایه‌گذاری در شرکت‌ها بستگی دارد و به دلیل اینکه صورت‌های مالی یکی از مهم‌ترین منابع اطلاعاتی شرکت‌ها می‌باشند، از اهمیت و جایگاه خاصی در تصمیمات سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان برخوردار می‌باشند. بنابراین، مدیران سعی دارند، گزارش‌های مالی باب میل سرمایه‌گذاران باشد و این ناشی از انگیزه‌های منفعت‌جویانه مدیران شرکت‌هاست^۱. زیرا بسیاری از مزایای آن‌ها بر اساس عملکرد شرکت تعیین و پرداخت می‌شود. در این میان سود گزارش شده در بنگاه از اهمیت خاصی برخوردار است و بیشتر مورد توجه سرمایه‌گذاران قرار دارد و مبنای ارزیابی عملکرد مدیریت و جریان‌های نقدی آتی شرکت است [۵]. تأکید بیش از حد بازار سرمایه بر سود از یک‌طرف و وجود فرصت‌هایی برای اعمال نظر مدیریت بر این رقم از طریق اختیاری بودن برخی رویه‌های حسابداری از طرف دیگر، لزوم بررسی و تحقیق در خصوص ساختارهای مالکیتی شرکت‌ها و اثرات این ساختارها بر محیط گزارشگری مالی و همچنین راهکارهای متعادل نمودن این اثرات را نمایان می‌کند. پژوهش حاضر به دنبال مطالعه رابطه عواملی مانند اهرم مالی؛ اندازه شرکت؛ نسبت رشد شرکت؛ درصد سهام شناور آزاد با محافظه‌کاری حسابداری است. و از این طریق به بررسی اثرات مالکیت مدیریتی به‌عنوان بخشی از ساختار حاکمیت شرکتی بر محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته‌شده در بهابازار اوراق بهادار تهران می‌پردازد.

۲. مبانی و چارچوب نظری تحقیق

مدیر به‌عنوان مسئول تهیه صورت‌های مالی باوقوف کامل بر وضعیت مالی شرکت و با برخورداری از سطح آگاهی بیشتر نسبت به استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، به‌طور بالقوه سعی دارد که تصویر واحد تجاری را مطلوب جلوه دهد. برای مثال، ممکن است از طریق منظور نمودن هزینه‌های یک دوره به‌عنوان دارایی، باعث کاهش هزینه‌ها و گزارش سود بیشتر در صورت‌های مالی شود. مدیر سعی دارد این رقم را به‌گونه‌ای ارائه نماید که منافع خود را تأمین کند و همچنین تصویر مطلوبی از واحد تجاری به سرمایه‌گذاران بالقوه و بالفعل نشان دهد [۸].

مالکیت مدیریتی یکی از مکانیزم‌های مهم حاکمیت شرکتی است. که موجب کاهش تضاد منافع بین مدیران و سهامداران شده و در نتیجه برای شرکت؛ ایجاد ارزش نموده و بر عملکرد شرکت تأثیرگذار می‌باشد. در چنین شرایطی، اصول و رویه‌های حسابداری به پشتوانه مراجع تدوین‌کننده

۱. بر اساس تئوری نمایندگی مدیران به دنبال حداکثر نمودن منافع خود می‌باشند که این منافع لزوماً با منافع شرکت همسو نیست.

استانداردهای حسابداری^۱، باهدف متعادل کردن انگیزه‌های منفعت‌جویانه مدیران، حمایت از حقوق ذی‌نفعان و ارائه منصفانه صورت‌های مالی، مفهوم محافظه‌کاری^۲ را به کار می‌برند. محافظه‌کاری مطابق مفاهیم گزارشگری مالی ایران به‌عنوان کاربرد درجه‌ای از مراقبت تعریف می‌شود؛ که در اعمال قضاوت برای برآورد در موقعیت ابهام مورد نیاز است. به‌گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیشتر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع ارائه نشود. چنانچه مدیریت بنگاه تجاری مالک بنگاه نیز باشد؛ نیاز به محافظه‌کاری کمتر خواهد شد چون منافع مدیر و مالک همسو است و تضاد مذکور در تئوری نمایندگی^۳ از بین می‌رود. این تضاد از متفاوت بودن اهداف آنان ناشی می‌شود. بنابراین، این تحقیق درصدد آن است که به تبیین رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و مالکیت مدیریتی در بورس اوراق بهادار تهران بپردازد و چگونگی رابطه این دو متغیر را مشخص سازد [۲۴].

پیشینه تحقیق. لاف‌اند و رویچودهری (۲۰۰۷) رابطه بین مالکیت مدیریتی و سیاست محافظه‌کاری را مورد پژوهش قرار داده و این‌گونه استنباط کردند که شرکت‌هایی با سطح مالکیت مدیریتی بیشتر، از سود محافظه‌کاری بیشتری برخوردار می‌باشند. نتایج به‌دست‌آمده با نیاز هر چه بیشتر سهامداران به سیاست محافظه‌کاری به‌عنوان وسیله‌ای برای بررسی مسائل و مشکلات نمایندگی ناشی از جدایی هر چه بیشتر بین مالکیت و کنترل مطابقت و همخوانی دارد. مخصوصاً مدیران از بدهی محدود با توجه به سایر سهامداران حاضر در شرکت لذت می‌برند. سیاست محافظه‌کاری به‌عنوان مکانیسم بالقوه‌ای برای بررسی مسائل و مشکلات نمایندگی ناشی از بدهی و افق زمانی محدود بروز می‌کند. با کاهش مالکیت مدیریتی، شدت مسائل نمایندگی افزایش یافته و در نتیجه نیاز به سیاست محافظه‌کاری افزایش می‌یابد. یافته‌های به‌دست‌آمده مدارکی پیرامون منع نیاز به سیاست محافظه‌کاری از سوی سهامداران شرکت ارائه می‌دهند [۱۶].

تاکادا و شوتو (۲۰۰۹) این‌گونه استنباط می‌کنند که بین مالکیت مدیریتی و نیاز به محافظه‌کاری، رابطه غیریکنواخت معناداری وجود دارد. در سطوح بالا و پائین مالکیت مدیریتی، رابطه بین مالکیت مدیریتی و تناسب نامتقارن سود، منفی است. نتایجشان حاکی از آن بود که نیاز به سیاست محافظه‌کاری حسابداری با کاهش مسئله نمایندگی، کاهش می‌یابد، این مسئله با اثر هم‌ترازی انگیزه همخوانی دارد. همچنین این‌گونه استنباط می‌شد که در سطوح میانی مالکیت مدیریتی، رابطه بین

1. Accounting Standards

2. Managerial Ownership

3. Agency

مالکیت مدیریتی و تناسب نامتقارن سود، مثبت است. نتیجه به دست آمده با اثر جبهه‌گیری مدیریت همخوانی دارد. نتایج حاصله از توانمندی لازم برخوردار بوده و به همین خاطر می‌تواند متغیرهای کنترل مختلف، نسبت بازار به دفتری، اهرم، اندازه شرکت و سال را لحاظ نمایند. در خاتمه، نتایج به دست آمده حاکی از آن بود که محافظه‌کاری حسابداری مسئله نمایندگی بین مدیران و سهامداران و همچنین هزینه نمایندگی شرکت‌ها را کاهش می‌دهد [۲۲].

حسینی (۱۳۸۸) از بین ویژگی‌های هیات مدیره، به بررسی درصد اعضای غیرموظف هیات مدیره و درصد مالکیت مدیران غیرموظف به عنوان متغیرهای مستقل پرداخته است و یافته‌های ایشان حاکی از وجود رابطه معنادار و مستقیم بین درصد مالکیت اعضای هیات مدیره و محافظه‌کاری و نیز رابطه معنادار و معکوس بین نسبت اعضای غیرموظف هیات مدیره و محافظه‌کاری است [۳].

امیری (۱۳۸۹) این‌گونه بیان نمود که نتایج آزمون فرضیات، حاکی از وجود رابطه معنادار و معکوس بین مالکیت مدیریتی و محافظه‌کاری است. این نتایج بیان می‌دارد که سهام بودن مدیران در مالکیت شرکت، تقاضا برای حسابداری محافظه‌کارانه را کاهش می‌دهد [۱].

نتایج متفاوت در پژوهش‌های مذکور، محقق را بر این داشت که به تبیین رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و مالکیت مدیریتی در بورس اوراق بهادار تهران بپردازد و چگونگی رابطه این دو متغیر را مشخص سازد.

۳. روش‌شناسی تحقیق

این تحقیق از نظر هدف، تحقیقی کاربردی است زیرا به بررسی روابط متغیرها در بازار اوراق بهادار پرداخته است و به دنبال تبیین روابط و ارائه پیشنهادها جهت ارتقا کارایی بازار است. در ضمن این تحقیق از نوع تحقیقات توصیفی همبستگی است. روش گردآوری و ابزار جمع‌آوری داده‌های تحقیق از نوع اطلاعات و داده‌های ثانویه است. این داده‌ها از آمار سایت سازمان اطلاع‌رسانی بورس اوراق بهادار تهران، نرم‌افزار ره‌آورد نوین و سایت بورس اوراق بهادار جمع‌آوری شده spss مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته است، لذا داده‌ها واقعی است.

فرضیه‌های تحقیق. از آنجایی که با سهام شدن مدیران در مالکیت شرکت، مسئله تعارض منافع تا حدود زیادی حل می‌شود؛ به نظر می‌رسد نیاز به مکانیسم‌های کنترل انگیزه‌های منفعت‌جویانه مدیران کاهش یابد. انتظار می‌رود حسابداری محافظه‌کار، مسئله نمایندگی بین مدیران و سهامداران و همچنین هزینه‌های نمایندگی شرکت‌ها را از طریق تسهیل قرارداد کارآمد و اخذ تصمیمات کارآمد در

مورد سرمایه‌گذاری، کاهش دهد. پیش‌بینی ما بر آن است که نیاز به سیاست محافظه‌کاری حسابداری از سوی سهامداران در شرایطی بیشتر می‌شود که مسئله نمایندگی بین مدیران و سهامداران چشم‌گیرتر باشد [۱۴]. لذا در این تحقیق، فرضیات ذیل تدوین و آزمون خواهند شد: فرضیات اصلی:

- بین درصد مالکیت مدیران و محافظه‌کاری حسابداری رابطه وجود دارد.
- بین درصد سهام شناور آزاد و محافظه‌کاری حسابداری رابطه وجود دارد.
فرضیات فرعی:

- بین اهرم مالی و محافظه‌کاری حسابداری رابطه وجود دارد.

- بین اندازه شرکت و محافظه‌کاری حسابداری رابطه وجود دارد.

- بین نسبت رشد شرکت و محافظه‌کاری حسابداری رابطه وجود دارد.

در پژوهش حاضر به منظور آزمون فرضیات تحقیق از داده‌های مالی طبقه‌بندی شده و سابرسی شده شرکت‌های تولیدی فعال پذیرفته شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران استفاده شده است. زیرا که تنها منبع اطلاعاتی است که با استفاده از آن می‌توان به منابع اطلاعاتی مالی شرکت‌ها دسترسی یافته و مدل تحقیق را مورد آزمون قرارداد. همچنین روش نمونه‌گیری، حذفی سیستماتیک است. در این روش ابتدا شرایطی جهت انتخاب نمونه تعریف می‌شود، سپس نمونه‌های فاقد شرایط مذکور از نمونه حذف می‌گردند. با توجه به فرضیات تحقیق و متغیرهای اساسی مورد نیاز، شرایط و ملاحظات ذیل برای استخراج و انتخاب نمونه تعریف شده است.

- جزء شرکت‌های سرمایه‌گذاری و بانک‌ها نباشد.

- پایان سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفند باشد.

- شرکت در دوره موردنظر مطالعه، تغییر سال مالی نداشته باشد.

- نماد معاملاتی شرکت به تابلوی غیررسمی بورس منتقل نشده باشد.

- نماد معاملاتی شرکت فعال و حداقل یک‌بار در سال معامله شده باشد.

- اطلاعات مالی شرکت در دوره مورد مطالعه در دسترس باشد.

در نتیجه اعمال شرایط و ملاحظات در نمونه‌گیری حذفی سیستماتیک ۱۱۱ شرکت از جامعه آماری جهت انجام آزمون‌ها انتخاب شدند. دوره تحقیق ۶ سال متوالی هست بنابراین حجم نهایی نمونه ۶۶۶ سال - شرکت (۱۱۱*۶) است.

متغیرهای تحقیق و شیوه اندازه‌گیری آن‌ها

۱. **محافظه‌کاری.** در این تحقیق، برای اندازه‌گیری محافظه‌کاری حسابداری، از مدل گیولی و هاین (۲۰۰۰) استفاده می‌شود.

گیولی و هاین به این دلیل از ارقام تعهدی و اختیاری (غیرعملیاتی) استفاده می‌کنند که از یک‌طرف حسابداری تعهدی مجرای برای اعمال محافظه‌کاری است و از طرف دیگر، اعمال اختیار از جانب مدیران در شرایط نبود اطمینان، زمینه پیدایش محافظه‌کاری را فراهم می‌آورد. ارقام تعهدی غیرعملیاتی، شامل مقادیری است که از برآوردها و قضاوت‌های مدیریت تأثیر می‌پذیرند. برای مثال، می‌توان به ذخیره مطالبات مشکوک الوصول، افزایش هزینه‌ها که ناشی از تغییر برآوردهاست، سود و زیان فروش دارایی‌ها، زیان کاهش ارزش موجودی‌ها و دارایی‌های ثابت و ارقام انتقالی به دوره‌های آینده اشاره کرد.

$$(-1) * \frac{\text{ارقام تعهدی عملیاتی قبل از استهلاک}}{\text{جمع داراییها در اول دوره}} = \text{شاخص محافظه کاری}$$

رشد ارقام تعهدی می‌تواند شاخصی از تغییر در درجه محافظه‌کاری حسابداری در طول یک دوره بلندمدت باشد. به بیانی دیگر اگر ارقام تعهدی افزایش یابد، در آن صورت محافظه‌کاری افزایش می‌یابد. طبق یافته‌های گیولی و هاین (۲۰۰۰)، باگذشت هر سال، ارقام تعهدی غیرعملیاتی نسبت به سال قبل به صورت معنادار، منفی‌تر (کوچک‌تر) شده است. بر این اساس، باگذشت زمان، محافظه‌کاری بیشتر شده است. به همین منظور برای همسو کردن جهت مقادیر جبری ارقام تعهدی غیرعملیاتی و محافظه‌کاری از قرینه این ارقام استفاده می‌شود.

۲. **درصد مالکیت مدیریتی (مالکیت اعضای هیات مدیره).** طریقه محاسبه این متغیر، نسبت تعداد سهام متعلق به مدیران شرکت به تعداد کل سهام منتشره است.

۳. **سهام شناور آزاد.** برای محاسبه سهام شناور آزاد باید ترکیب سهامداران بررسی و سهامداران راهبردی مشخص شوند. با این فرض، در محاسبه سهام شناور آزاد تعداد سهام متعلق به دارندگان سهام راهبردی از تعداد کل سهام موجود کسر می‌شود.

از همین رو، در صد سهام شناور آزاد عبارت است از درصد سهامی که در دست سهامداران نهادی نیست.

در صد سهام شناور آزاد = (در صد سهامداران نهادی - ۱)

۴. **اندازه شرکت.** در این تحقیق به عنوان نماینده اندازه شرکت، از لگاریتم طبیعی^۱ جمع دارایی‌های پایان دوره استفاده خواهد شد.

۵. **اهرم مالی.** این متغیر، کل بدهی‌ها به کل دارایی‌های پایان دوره تعریف شده است.

۶. **نسبت رشد شرکت.** نسبت ارزش بازار به ارزش دفتری می‌تواند به عنوان شاخصی برای فرصت رشد شرکت قرار گرفته و دلیلی بر وجود دارایی‌های نامشهود در شرکت تلقی شود.

$$\text{رشد شرکت} = MV/BV$$

که عبارت است از ارزش بازار به ارزش دفتری.

۴. تحلیل یافته‌ها

برای آزمون فرضیه اول از مدل (۱) استفاده شده است:

مدل (۱)

$$CONCER_{i,t} = \alpha + \beta_1(MO_{i,t}) + \beta_2(Size_{i,t}) + \beta_3(Lev_{i,t}) + \beta_4(G_{i,t}) + \epsilon_{i,t}$$

نتیجه آزمون مدل در جدول یک ارائه شده است.

با توجه به نتایج آزمون مدل فرضیه اول که در جدول ۱ ارائه شده است، سطح معناداری آماره F (۰/۰۴۵) کمتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده و مدل رگرسیونی معنادار است. آماره دوربین واتسون (۲/۰۲۶) در فاصله بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد؛ بنابراین؛ همبستگی میان اجزای خطای مدل وجود ندارد. با توجه به پایین بودن (سطح معناداری) آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای

ضریب ۱ بین محافظه‌کاری و مالکیت مدیریتی رابطه معناداری و مثبت وجود دارد. پس فرضیه اول تحقیق را نمی‌توان در سطح اطمینان ۹۵٪ رد کرد.

جدول ۱ نتایج آزمون فرضیه‌ی اول

نام متغیر	نماد	ضریب	آماره t	P-Value
مقدار ثابت		-۹/۸۲۰	-۲/۸۹۴	۰/۰۰۴
مالکیت مدیریتی	MO	۷/۵۴۴	۲/۶۲۰	۰/۰۰۹
اندازه شرکت	Size	۰/۰۹۷	۱/۲۵۱	۰/۲۱۱
اهرم مالی	Lev	۰/۱۵۴	-۰/۲۴۶	۰/۸۰۶
فرصت رشد	G	-۰/۰۰۱	-۰/۰۳۹	۰/۹۶۹
کل مدل رگرسیون	آماره F	P-Value	آماره دوربین-واتسون (D-W)	ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده
	۲/۱۵۶	۰/۰۴۵	۲/۰۲۶	$R^2 = ۰/۰۲۰$ $= AdjR^2 ۰/۰۱۴$

همچنین نتایج آزمون نشان می‌دهد میزان P-Value برای اندازه شرکت، اهرم مالی و رشد شرکت (متغیرهای کنترلی) بیشتر از ۵ درصد است، پس بین محافظه‌کاری و متغیرهای کنترلی رابطه معناداری وجود ندارد. ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که متغیرهای وارد شده در رگرسیون تنها توانسته‌اند که ۲٪ از تغییرات متغیر وابسته را توضیح دهند. برای آزمون فرضیه دوم از مدل (۲) استفاده شده است:

مدل (۲)

$$CONCER_{i,t} = \beta_0 + \beta_1(MFF_{i,t}) + \beta_2(Size_{i,t}) + \beta_3(Lev_{i,t}) + \beta_4(G_{i,t}) + \epsilon_{i,t}$$

نتیجه آزمون مدل در جدول ۲ ارائه شده است.

پرتال جامع علوم انسانی

جدول ۲. نتایج آزمون فرضیه دوم

نام متغیر	نماد	ضریب	آماره t	P-Value
مقدار ثابت		-۱/۶۱۰	-۱/۴۷۴	۰/۱۴۱
سهام شناور آزاد	MFF	۰/۷۸۷	۱/۱۲۲	۰/۲۶۲
اندازه شرکت	Size	۰/۰۸۴	۱/۰۶۹	۰/۲۸۵
اهرم مالی	Lev	۰/۲۱۲	۰/۳۳۲	۰/۷۴۰
فرصت رشد	G	۰/۰۰۳	۰/۱۶۶	۰/۸۶۸
کل مدل رگرسیون	آماره F	P-Value	آماره دوربین-واتسون (D-W)	ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده
	۰/۶۵۱	۰/۶۲۶	۲/۰۰۲	$R^2=۰/۰۰۴$ $= AdjR^2-۰/۰۰۲$

با توجه به نتایج آزمون مدل فرضیه دوم که در جدول ۲ ارائه شده است، سطح معناداری آماره F (۰/۶۲۶) بالاتر از سطح خطای مورد پذیرش (۵ درصد) بوده و کل مدل رگرسیونی معنادار نیست. آماره دوربین واتسون (۲/۰۰۲) در فاصله بین ۱/۵ تا ۲/۵ قرار دارد بنابراین همبستگی بین اجزای خطای مدل وجود ندارد. با توجه به بالاتر بودن مقدار حساس آماره t از سطح خطای مورد پذیرش برای ضریب ۱ نتایج آزمون نشان می‌دهد که میان محافظه کاری و در صد سهام شناور آزاد رابطه وجود ندارد. پس فرضیه دوم تحقیق را در سطح خطای ۹۵٪ نمی‌توان پذیرفت. همچنین نتایج آزمون نشان می‌دهد با بیشتر بودن میزان P-Value متغیرهای کنترلی از ۵ درصد، میان محافظه کاری و متغیرهای کنترلی رابطه‌ای وجود ندارد. ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده نیز نشان می‌دهد که با مدل تخمین زده رگرسیونی برای فرضیه دوم تغییرات بسیار اندکی از متغیر وابسته بیان می‌شود.

مدل‌های نهایی فرضیه‌ها. برای بررسی متغیرهای تأثیرگذار در تعیین مدل رگرسیون برای هر فرضیه مدل‌های مطرح شده را با روش پس رو (Backward) مجدداً برای هر مدل به صورت جداگانه برآزش می‌نماییم.

نتایج از برآزش مدل‌های رگرسیون به روش حذف رو به عقب برای هر یک از مدل‌ها انجام شده است. در مراحل برآزش مدل رگرسیون، متغیری که کمترین رابطه را با متغیر وابسته دارد تک‌تک و

مرحله به مرحله حذف می‌شود. در آخرین مدل در این روش متغیرهایی باقی می‌مانند که قابل حذف از مدل رگرسیون نیستند و رابطه‌ای خطی با متغیر مستقل دارند.
 ۱. مدل نهایی فرضیه اول: نتایج در جداول ۳ و ۴ ارائه شده است.

جدول ۳. جدول مدل‌های رگرسیونی روش (Backward) برای فرضیه اول

مدل و مراحل	آماره F	P-Value	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
مدل (۱)	۲/۱۵۶	۰/۰۴۵	۰/۰۲۰	۰/۰۱۴
مدل (۲)	۲/۷۴۵	۰/۰۴۲	۰/۰۱۸	۰/۰۱۳
مدل (۳)	۴/۰۹۳	۰/۰۱۷	۰/۰۱۵	۰/۰۱۲
مدل (۴)	۶/۴۹۶	۰/۰۱۱	۰/۰۱۱	۰/۰۱۰

جدول ۴. مدل نهایی و جدول ضرایب رگرسیون برای فرضیه اول

نام مدل	نام متغیر	نماد	ضریب	آماره t	P-Value
مرحله چهارم	مقدار ثابت		-۸/۱۶۹	-۲/۵۹۵	۰/۰۱۰
مدل (۴)	مالکیت مدیریتی	Mo	۷/۳۰۷	۲/۵۴۹	۰/۰۱۱

نتایج جدول ۳ نشان می‌دهد که سه متغیر کنترلی مورد بررسی، تک تک و مرحله به مرحله (مرحله اول اهرم، مرحله دوم اندازه شرکت و مرحله سوم رشد) از مدل رگرسیون حذف شده‌اند. در نهایت متغیر مستقل مالکیت مدیریتی در مدل نهایی قرار گرفته و رابطه معنادار و مثبتی با محافظه‌کاری دارد.
 ۲. مدل نهایی فرضیه دوم: نتایج در جداول ۵ و ۶ ارائه شده است.

جدول ۵. جدول مدل‌های رگرسیونی روش (Backward) برای فرضیه دوم

مدل و مراحل	آماره F	P-Value	ضریب تعیین	ضریب تعیین تعدیل شده
مدل (۱)	۰/۶۵۱	۰/۶۲۶	۰/۰۰۴	-۰/۰۰۲
مدل (۲)	۰/۱۸۶۱	۰/۴۶۱	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰
مدل (۳)	۱/۲۳۹	۰/۳۹۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۱
مدل (۴)	۱/۳۲۱	۰/۲۵۱	۰/۰۰۲	۰/۰۰۰
مدل (۵)	-	-	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

جدول ۶. مدل نهایی و جدول ضرایب رگرسیون برای فرضیه دوم

نام مدل	نام متغیر	نماد	ضریب	آماره t	P-Value
مرحله پنجم مدل (۵)	مقدار ثابت		-۰/۱۵۱	-۱/۴۰۵	۰/۱۶۱

نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که از چهار متغیر وارد شده در مدل اول، هر چهار متغیر، تک‌تک و مرحله‌به‌مرحله (مرحله اول رشد، مرحله دوم اهرم و مرحله سوم سهام شناور آزاد و مرحله چهارم اندازه شرکت) از مدل رگرسیون حذف شده‌اند و در نهایت هیچ یک از متغیرهای مستقل دارای شرایط حضور در رگرسیون را نداشته‌اند؛ بنابراین مدل برازش شده در جهت تخمین محافظه کاری به صورت خطی مدل مناسبی نیست و هیچ‌یک از متغیرهای وارد شده در رگرسیون رابطه معناداری با محافظه کاری ندارند. به هر حال، نتایج نهایی آزمون فرضیات در جدول ۷، ارائه شده است.

جدول ۷. نتایج نهایی آزمون‌ها

شماره فرضیه اصلی	شرح	قابل پذیرش	غیر قابل پذیرش
۱	میان محافظه کاری و مالکیت مدیریتی رابطه وجود دارد.	*	
۲	میان محافظه کاری و سهام شناور آزاد رابطه وجود دارد.		*

جدول ۸. نتایج نهایی آزمون‌ها

شماره فرضیه فرعی	شرح	قابل پذیرش	غیر قابل پذیرش
۱	میان اهرم مالی و محافظه کاری حسابداری رابطه وجود دارد.		*
۲	میان اندازه شرکت و محافظه کاری حسابداری رابطه وجود دارد.		*
۳	میان نسبت رشد شرکت و محافظه کاری حسابداری رابطه وجود دارد.		*

۵. نتیجه‌گیری و پیشنهاد

یافته‌های تحقیق نشان داد که مالکیت مدیریتی با سطح معناداری ۰/۰۰۹ با محافظه‌کاری رابطه دارد. همچنین می‌توان در مورد سایر متغیرها چنین گفت که اندازه شرکت با سطح معناداری ۰/۲۱۱ رابطه‌ای با میزان محافظه‌کاری شرکت نداشته و به مفهوم آن است که چه شرکت بزرگ باشد و چه کوچک، در مجموع نمی‌توان انتظار داشت که محافظه‌کاری کاراثر باشد. برخی از مطالعات پیشین از این نتیجه حمایت می‌کنند. از طرف دیگر، اهرم مالی با سطح معناداری ۰/۸۰۶ با میزان محافظه‌کاری رابطه‌ای نداشته و این مسئله حاکی از آن است که میزان استفاده از اهرم‌های مالی باعث نمی‌شود که شرکت سیاست محافظه‌کارانه‌تری را در پیش بگیرد یا آزادی عمل بیشتری را احساس کند. با توجه به عدم وجود رابطه میان فرصت رشد (با سطح معناداری ۰/۹۶۹) و میزان محافظه‌کاری می‌توان نتیجه گرفت که هرگاه مدیران، فرصت‌های رشدی را ادراک می‌کنند لزوماً میزان محافظه‌کاری کمتری را در سیاست‌های حسابداری آنان نمی‌توان انتظار داشت.

ضمناً باید به نکته دیگری توجه داشت. این که رابطه‌ای که در این تحقیق میان متغیرها مورد بررسی قرار گرفت رابطه رگرسیونی است که این رابطه در واقع، نوعی تأثیر میان متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته (میزان محافظه‌کاری) را نشان می‌دهد و به‌عنوان مثال نشان می‌دهد که مالکیت مدیریتی بر میزان محافظه‌کاری مدیریتی تأثیر دارد. در مجموع، این یافته‌ها نشان می‌دهد که افزایش درصد سهام مدیران در شرکت، افزایش تضاد منافع میان مدیران و مالکان را به دنبال دارد. زیرا تأیید گردید که تقاضا برای محافظه‌کاری در شرکت‌های دارای مالکیت مدیریتی بالا، نسبت به سایر شرکت‌ها، بیشتر است.

از طرفی اثر هم‌ترازی انگیزه به‌گونه‌ای است که مدیرانی با درصد سهام بیشتر، انگیزه بیشتری برای عمل کردن در راستای نیل به منافع سهامداران دارند. اثر جبهه‌گیری مدیریت به مسئله نمایندگی بستگی دارد که مدیران دارنده سهام متمرکز از وسعت عمل بیشتری برخوردار می‌باشند. این قبیل مسائل نمایندگی نیاز به بهره‌گیری از سیاست محافظه‌کاری حسابداری را افزایش می‌دهد، سیاست مذکور از طریق تسهیل روند عقد قرارداد کارآمد و القای تصمیم‌های کارآمد در مورد سرمایه‌گذاری، قادر به کاهش هزینه‌های نمایندگی است. آنگاه، فرض می‌کنیم رابطه میان مالکیت مدیریتی و نیاز به سیاست محافظه‌کاری حسابداری در سطوح بالا و پایین مالکیت مدیریتی، منفی و در سطوح میانی آن، مثبت است. نتایج به‌دست‌آمده با نیاز هر چه بیشتر سهامداران به سیاست محافظه‌کاری به‌عنوان وسیله‌ای برای بررسی مسائل و مشکلات نمایندگی ناشی از جدایی هر چه بیشتر میان مالکیت و کنترل مطابقت و همخوانی ندارد. سیاست محافظه‌کاری به‌عنوان مکانیزم بالقوه‌ای برای بررسی مسائل و مشکلات نمایندگی ناشی از بدهی و افق زمانی محدود بروز نمی‌کند.

پیشنهادها. با توجه به این نتایج و اطلاعات جمع‌آوری شده در طول دوره اجرایی تحقیق؛ پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

- استفاده‌کنندگان صورت‌های مالی، هنگام استفاده از صورت‌های مالی شرکت‌ها به عامل ترکیب سهامداران نیز توجه نموده و به این موضوع در تصمیم‌گیری‌های مالی اهمیت دهند.

- رابطه مالکیت مدیریتی و محافظه‌کاری حسابداری از دیدگاه آخرین استانداردهای گزارشگری مالی بین‌المللی مالی (IFRS) به صورت تطبیقی مورد توجه قرار گیرد.

- در تئوری نمایندگی، آنچه انتظار انجام مؤثر آن از هیئت مدیره می‌رود، کاهش تضاد منافع بین سهامداران و مدیران است، بنابراین بهبود عملکرد سبب افزایش و توجه بیشتر به منافع مشترک گروه‌های ذی‌نفع در شرکت‌ها می‌شود.

از طرفی با توجه به تحقیقات گسترده‌ای که در خارج از ایران با محوریت موضوع محافظه‌کاری انجام شده؛ برای انجام تحقیقات داخلی موضوعات زیر پیشنهاد می‌شود:

- بررسی رابطه میان محافظه‌کاری با اصول راهبری شرکت؛

- بررسی رابطه میان محافظه‌کاری با حق الزحمه‌های حسابرسی؛

- بررسی رابطه محافظه‌کاری حسابداری و هزینه سرمایه با سایر مدل‌های سنجش محافظه‌کاری شامل: مدل رویچوداری و واتز (۲۰۰۶) و خان و واتز (۲۰۰۷).

اهم محدودیت‌های که این پژوهش در طی اجرا با آن مواجه بوده؛ عبارت‌اند:

- فقدان دسترسی به برخی اطلاعات شرکت‌های مورد مطالعه مؤثر در متغیرهای پژوهش؛ از جمله نامشخص بودن نحوه محاسبه استهلاک و احتمال تفاوت در طبقه‌بندی هزینه‌ها (دارایی‌ها) در شرکت‌های مختلف و منظور نمودن هزینه (دارایی) آگهی و همچنین هزینه (دارایی) تحقیق و توسعه.
- با توجه به این‌که نمونه پژوهش از میان شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شده است و شرکت‌های نمونه از لحاظ اندازه، صنعت، ساختار مالکیت، نوع محصولات، لزوماً معرف تمام واحدهای اقتصادی فعال در کشور نیستند، بنابراین تعمیم‌یافته‌ها در خصوص موضوع باید با احتیاط انجام گیرد.

- دوره زمانی تحقیق (در صورتی‌که قلمرو زمانی تحقیق برای دوره طولانی‌تری در نظر گرفته می‌شد، ممکن بود نتایج قابلیت تعمیم بیشتری داشت، لیکن در صورتی‌که سال‌های بیشتری جهت انتخاب نمونه در نظر گرفته می‌شد، تعداد شرکت‌های عضو جامعه و نمونه آماری کاهش می‌یافت که این امر موجب کاهش روایی تحقیق می‌گردید و امکان بررسی رابطه مذکور را با محدودیت مواجه می‌ساخت).

- محدودیت دیگر مربوط به انگیزه‌های مالیاتی شرکت‌ها برای اعمال محافظه‌کاری در ایران است. در ایران به علت هماهنگی نحوه عمل حسابداری مالی و مالیاتی شرکت‌ها، مربوط ساختن محافظه‌کاری به عوامل توضیح‌دهنده دیگر، مشکل است.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

منابع

۱. امیری، اصغر (۱۳۸۹). بررسی رابطه میان مالکیت مدیریتی و محافظه کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، مجموعه مقالات همایش حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی واحد میاندوآب.
۲. حساس یگانه؛ یحیی (۱۳۸۹). بررسی رابطه میان تمرکز مالکیت و محافظه کاری در بورس اوراق بهادار؛ مجله پژوهش‌های حسابداری مالی؛ شماره دوم.
۳. حسنی، عباس (۱۳۸۸). رابطه ترکیب هیئت‌مدیره و مالکیت مدیران غیرموظف هیئت مدیره با محافظه کاری در حسابداری، پایان‌نامه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشگاه تهران.
۴. رضازاده، جواد و آزاد، عبدالله (۱۳۸۷). رابطه بین عدم تقارن اطلاعاتی و محافظه کاری در گزارشگری مالی، فصلنامه بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۴.
۶. کردستانی، غلامرضا و لنگرودی، حبیب (۱۳۸۷). محافظه کاری در گزارشگری مالی: بررسی رابطه عدم تقارن زمانی سود و MTB به‌عنوان دو معیار سنجش محافظه کاری، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۲.
۷. کمیته فنی سازمان حسابرسی (۱۳۹۰). استانداردهای حسابداری؛ نشریه شماره ۱۶۰؛ سازمان حسابرسی.
۸. مشایخ، شهناز و اسماعیلی، مریم (۱۳۸۵). بررسی رابطه میان کیفیت سود و برخی از جنبه‌های اصول راهبری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تهران، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۵.
۹. نمازی، محمد و کرمانی، احسان (۱۳۸۷). تأثیر ساختار مالکیت بر عملکرد شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۵۳.
۱۰. نو روش، ایرج و ابراهیمی کردار، علی (۱۳۸۴). بررسی و تبیین رابطه ترکیب سهامداران با تقارن اطلاعات و سودمندی معیارهای حسابداری عملکرد، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۲.
11. Aydin, N.Syim M. And A. Yalama (2007). *Foreign Ownership and Firm Performance: Evidence from Turkey*, *International Research Journal of Finance and Economics* 11.
12. Albrecht. W.D. and F.M. Richardson. (1990). *Income smoothing by economy sector*. *Journal of Business Finance & Accounting* (winter): 713-730.
13. Beekes, W.Pope, P. Young, S.2004. *The link between earnings timeliness, earnings conservatism and board composition: Evidence from the UK*. *Corporate Governance: An International Review* 12, 47-59
14. Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings. *Journal of Accounting & Economics* 24, 3-37
15. Chen, H, Tang, Q, Jiang, Y., and Lin, Z, (2011). The role of international financial reporting standards in accounting quality: evidence from the European union *Journal of International Financial Management and accounting*, 21(3), 41-48.
16. LA Fond, R. Roy Chowdhury (2008). S.Managerial ownership and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research*. 46:101-135

17. LA Fond, R. Roychowdhury, S. (2007). *Managerial Ownership and Accounting conservatism*, on line, [http:// www.ssrn.com](http://www.ssrn.com)
18. LA Fond, R. Watts, R. (2008). The information role of conservatism. *The Accounting Review*, 83 (2): 447-478.
19. LA Fond, R. Roy Chowdhury, S. (2008). Managerial ownership and accounting conservatism. *Journal of Accounting Research*; 46:101-135
20. Lev B. and S. Kunitzky. (1974). *On the associating between smoothing measures and the risk of common stocks*. *The Accounting Review* (April): 259-270.
21. Na, Suk- Kwon (2002). *Ownership Structure and Firm Performance in Korea*", Working Paper, University of Missouri- Columbia.
22. Paek W, Chen L, and Sami L. (2007). Accounting Conservatism, Earnings Persistence and Pricing Multiples on Earnings. Working Paper. Arizona State University-West Campus, and Lehigh University.
23. Sohn, Byungcherl Charlie, (2011). *The Effect of Accounting Comparability on Earnings Management*, Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=1927131>.
24. Stubben, S. R., (2010). Discretionary Revenues as a Measure of Earnings Management, *Accounting Review*, 85(2), 695-717.
25. Watts, R. L. (2003a). *Conservatism in Accounting Part I: Explanations and Implications*. *Accounting Horizons*, 207-221
25. Watts, R.L. (2003b). *Conservatism in Accounting Part II: Evidence and Research Opportunities*, *Accounting Horizons*, 287-301.
26. Wendt M. J. H., (2010). *The Effect of Accounting Conservatism on Value Relevance of Financial Statements*. Master's thesis in Accounting, Auditing and Control, Erasmus University Rotterdam, Department of Business Economics.